

نقد مصاحبه حجه الاسلام زائری با سایت الف پیرامون حجاب اجباری

دکتر مهرداد ویس کرمی

توضیحات: در ابتدای هر قسمت سوال مصاحبه گر با حروف ریز و جواب جناب حجه الاسلام زائری با حروف درشت تر و به صورت کج (Italic) و نقد دکتر مهرداد ویس کرمی با حروف سیاه تر (bold) آمده است. نقد کنونی، از مباحث صوتی ایشان (حدود شش ساعت) در نقد نظرات جناب زائری، استخراج و تنظیم شده است.

۱- در ایران خلاف کشورهای دیگری مثل لبنان یا سوریه، افراد محجبه را صرفاً به خاطر نوع پوشش آنها افرادی طرفدار نظام می‌دانند. چرا در ایران ظاهر دینی به تفکیک و قضاوت سیاسی منجر شده است.

...در واقع این یکی از نکاتی است که در تحلیل بحث پوشش و حجاب باید به طور طبیعی مورد توجه قرار بگیرد، که ناخودآگاه موضع گیری‌ها و دیدگاه‌های سیاسی مردم روی نظرشان درباره پوشش و حجاب اثر دارد. درجایی مثل کشور لبنان که حاکمیت دینی نیست، این بحث پیش نمی‌آید.

نقد: ۱- این مطلب، تنها در مورد حجاب نیست و می‌تواند در مورد هر حکم اجتماعی و حتی فردی دیگری هم مانند مشروب خواری و قمه زنی گفته شود: زمانی که مقام معظم رهبری در یکی از سخنرانی‌هایشان در خوزستان قمه زنی را حرام اعلام کردند، همان سال در یکی از شهرها، قمه زن‌های حرفه‌ای از شهرهای مختلف، گرد هم جمع شدند و وقتی بسیج برای مقابله با این افراد اقدام کرد، یکی از بسیجیان را به ضرب قمه شهید کردند. آدم‌هایی که اهل نماز و روزه نبودند به عنوان قمه زن امام حسین جمع شده بودند و می‌خواستند برای امام حسین قمه بزنند!

بنابراین این حرکات منفی و سیاسی کردن بعضی از مسائل طبیعی است. همواره، گروهی پشت یک علم باطل جمع می‌شوند؛ برای مثال عایشه ام‌المومنین را بهانه‌ای می‌کنند برای جنگیدن با امام علی (ع). پرسش ما از جناب آقای زائری این است که آیا شما می‌گویید از همه ظواهر دینی و شعائر اسلامی دست بکشیم که نکند بهانه مخالفت شود؟! آیا باید نماز جماعت و نماز جمعه را تعطیل کنیم چون می‌ترسیم مایه‌ی مخالفت شود؟! آیا نباید با روزه خوار و شراب خوار و قمه زن برخورد کنیم چون مایه‌ی مخالفت می‌شود؟

۲- حجاب، پرچم اعتقاد اسلامی است؛ چرا دشمن این قدر روی حجاب حساسیت نشان می‌دهد؟ چرا کارهایی که دشمن در جهت مبارزه با حجاب و لوث کردن حجاب می‌کند این قدر جدی است؟ چرا در کشور

۱- جواب نقضی: به کتاب "من لا یحضره الفقیه"؛ الجماعه و فضلها (باب ۵۶): در روایتی رسول اکرم (ص)، کسانی که مسجد نمی آیند، تهدید به آتش زدن، فرمود. یا در روایتی دیگر، لزوم حسن ظن به اهل جماعت یومیه پنجگانه، مورد تاکید قرار می دهند. آیا این دستورات، باعث شیوع ریا نمی شود؟!

۲- جواب حلی: احکام، به دو دسته توصلی و تعبدی، تقسیم می شوند. حجاب، مانند سایر احکام توصلی، نیاز به نیت الهی (قصد قربت) ندارد. همین قدر که یک زن مسلمان محجبه باشد واجبش را انجام داده است و از عوارض بد حجابی و بی حجابی در امان مانده است، در صورتیکه واجبات تعبدی مانند نماز، حتما باید با قصد قربت و کسب رضای الهی به جا آورده شوند. البته نیت الهی، در بالا بردن ارزش کار، مؤثر است. پس نفس رعایت حجاب، صاحب آن را از آتش جهنم و جامعه را از فساد، حفظ می کند. نکته دیگر این که، تظاهر و نفاق، مسائل اخلاقی هستند و همواره وجود دارند و راه برخورد با آنها مراقبت اخلاقی است. انسان عاقل، از ترس آفت، درخت را قطع نمی کند یا از درختکاری، منصرف نمی شود.

۳- مسئله حجاب مسئله کاملاً پیچیده ای است و یکی از دلایلی که ما نتوانستیم معضل حجاب را در کشور خوب درک کنیم، بفهمیم و حل کنیم این است که متأسفانه در این سال ها در بسیاری از موارد با موضوع حجاب به عنوان یک مسئله بسیط برخورد شده است. یک مسئله یک خطی ساده با یک فرمول ساده که طبیعتاً همین باعث شده که درست فهم نشود...

نقد: همه اشکال در این است که امثال جناب زائری، حجاب را در حد بستن کمر بند ایمنی می بینند. حتی در بحث جا انداختن کمر بند هم موفق نبودیم؛ تا پلیس را می بینیم کمر بند می بندیم و وقتی پلیس نیست کمر بند را باز می کنیم.

مگر بنا بود بد حجابی، کاملاً حل شود؛ مگر گناهی را سراغ دارید که در زمانی کاملاً مهار شده باشد؟ تا نفس و شیطان هستند، مبارزه هم هست و گناه هم وجود دارد. اشتباه می کنند کسانی که فکر می کنند که اگر فلان کار را می کردیم، فلان گناه ریشه کن می شد! پس اختیار انسان چه می شود؟ مگر ابلیس، از عذاب الهی، آگاهی نداشت؟

آنچه مهم است آگاه کردن افراد بی اطلاع و نیز، مهار نمودن افراد حریم شکن است؛ مگر گناه، مانند سرخک و طاعون است که عامل آن ریشه کن شود؟! عامل بدحجابی، جهل یا هوای نفس است که همواره در انسان وجود دارد! عمده بدحجابی ها منشأ نفسانی دارد نه عدم آگاهی، پس آگاهی، علت تامه محجبه شدن نیست. البته گاهی مؤثر است اما در کنار سایر عوامل.

-البته واقعیت تلخ این است که حجاب را افراد سیاسی کار بی تقوا، برای جلب آراء گنهکاران و پوشاندن بی کفایتی هایشان در حل مشکلات اقتصادی کشور، سیاست زده کرده اند. بی سبب نیست که برخی از دولتمردان ما در اوج مشکلات اقتصادی و ناکامی در عمل به وعده های انتخاباتی نسنجیده و احساساتی، مدافع بدحجابی می شوند!

۴- فرض را بر این بگذاریم که در عین حال که حاکمیت طرفدار یک پوشش خاص است این پوشش را برای همه اجبار نکند، یعنی تبلیغ انجام شود و خواسته‌ی حاکمیت نشان داده شود، ولی اگر کسی نخواست رعایت کند، آزاد باشد. باز فکر می کنید سیاسی بودن حجاب باقی بماند؟

...قطعاً خیلی کاهش پیدا خواهد کرد. اما یک موضوع مهم تری نسبت به این وجود دارد. من می گویم در بدترین حالت بگذاریم این تصور به وجود بیاید. مگر چه اتفاقی می افتد؟ موضوع مهم تری که با این فرض اتفاق می افتد و من راجع به آن قبلاً بدون تعارف گفته ام این است که با حجاب اجباری مخالفم و معتقدم یکی از اشتباهات ما در حوزه اجتماعی بعد از انقلاب اجبار حجاب بود و ما باید این را اعتراف کنیم و بپذیریم. حالا اینکه به هر دلیل نمی توانیم تراجع کنیم مسئله دیگری است....

نقد: الف- چه اشکال دارد که یک فکر از طرف حاکمیت باشد؟ مگر حاکمیت کنونی نامشروع است که نگران باشیم؟ وقتی حکومت اسلامی است و به دست نائب امام زمان است، چه اشکالی دارد که حکمی مانند حجاب، از طرف حکومت و خواسته آن باشد. مگر حکومت اسلامی، کاری غیر از اقامه حدود الهی دارد؟ اصولاً یکی از مسائل حاکمیت، برخورد درست و شرعی با مخالفان و حتی هنجارشکنان و محاربان است. حاکم توانا به جای پاک کردن صورت مسأله ای مانند بدحجابی و هنجارشکنی، به مدیریت آن می پردازد.

ب- در مورد حجاب، واقعیت برعکس مدعای شماست؛ مردم بر دین حاکمانشان هستند. حجاب هم اگر مشکل دارد از جانب برخی از دولتمردان مشکل دارد! ای کاش می شد آمار گرفت که چند درصد از خانواده های مسئولین ارشد کنونی محجبه هستند؟

اتفاقا خانه از پای بست ویران شده و از مدیران به پایین ترها سرایت کرده است. نوع ناهنجاری ها از تهران شروع شده و به شهرستان ها سرایت می کند.

ج- تقلیل حجاب به یک سلیقه سیاسی دست کم از انکار حجاب ندارد. بلکه خیانت به حجاب- به عنوان حکم اولیه دینی- است.

۵- یعنی الان حکومت پشتوانه شرعی برای اجبار حجاب دارد؟

...من دارم نظرم خود را در حوزه اجتماعی می گویم. از نظر من به عنوان یک طلبه کم سواد بدون ادعا، پشتوانه شرعی ندارد. این قصه معروف را حتماً شنیده اید که شهید مطهری با نگرانی خدمت امام(ره) رفتند که راجع به قضیه حجاب اجباری صحبت کنند که ظاهراً دیگر دیر شده بود و نتوانستند کاری انجام بدهند.

جواب؛ منظور شما اجبار در چه حیطة ای است؟

الف- اجبار قبل از ایمان آوردن است یا بعد از آن؟

ب- اجبار در عقیده است یا رفتار؟

ج- اجبار در مسائل شخصی است یا مسائل اجتماعی؟!

شرح جواب:

الف- تا قبل از ظهور امام زمان، کسی را به اسلام آوردن اجبار نمی کنند. (یکی از معانی لا اکراه فی الدین). اما یک مسلمان و نیز غیر مسلمان در پناه اسلام، بایستی در چارچوبه احکام و قوانین اسلامی حرکت نماید. مانند دادن جزیه (هزینه ای که اهل کتاب باید به کشور اسلامی بدهند تا به ازای آن از ایشان محافظت شود). اما در عباداتی که اهل کتاب در محیط انحصاری عبادت دارند، آزاد هستند مانند داشتن حجاب در کلیسا و نوشیدن شراب و...

ب- اجبار در عقیده معنا ندارد. چون عقیده قلبی است و امور قلبی، اجبار بردار نیست.

ج- اما در حیطة رفتار، هیچ دین و مرامی، بدون اجبار نیست: حتی در نظام لیبرال، حد آزادی هر فرد را آزادی سایرین تعیین می کند. در مسائل اجتماعی، بدون نوعی از اجبار، زندگی اجتماعی، امکان ندارد. (مانند اجبار در بستن کمربند و ممنوعیت سیگار در اماکن عمومی در غرب).

نظر علامه طباطبایی در مورد "لا اکراه فی الدین" این است که به دلیل فطرت الهی، قلب انسان پس از عرضه دین، از پذیرش آن، اکراه ندارد!

اما نتیجه‌ی انکار حجاب، به صورت زیر است:

الف- در عقیده: به عنوان کفر به یکی از احکام است و چون حجاب ضروری دین است، اگر به انکار خدا یا معاد برگردد باعث خروج از دین، می شود.

ب- در رفتار: بدحجابی و بی حجابی، گناه کبیره و بر خلاف قرآن و روایات و مخالف اجماع همه فرقه های اسلام است. و امر به معروف و نهی از منکر بدحجاب (به عنوان یک فرد گنهکار) واجب است و بالاترین مرحله امر به معروف، وظیفه حکومت است.

ج- در حیطة اجتماع: حجاب یک مسأله فردی نیست و مشمول اجبار است!

نقد اصلی:

۱- ذات احکام اسلامی، سیاسی و اجتماعی است و اینگونه قضاوت ناشی از نشناختن ماهیت حکومت اسلامی است. حکومت اسلامی، از احکام اولیه است. و تصمیمات حاکم مشروع، در حکم دستور شرعی است و گرنه تصرف حاکم اسلامی در امور جامعه، چه معنا دارد؟

۲- بر مبنای ولایت مطلقه فقیه فهم این مسائل، آسان است. اگر برای مصالح مسلمانان، می شود مسجد را خراب کرد، نمی توان حجاب را اجباری کرد؟

۳- اجبار حجاب، برخاسته از این واقعیت است که اولاً حکم اولیه است و ثانیاً مشمول امر به معروف است که در صورت عدم تأثیر، مراتب پایین تر، به دلیل عوارض فردی و اجتماعی، مرتبه آخر نهی از منکر وظیفه حکومت اسلامی است.

بنابراین گشت ارشاد جز لاینفک حکومت اسلامی است. البته اگر مشکلی در اجرا داشته باشد باید حل شود و اگر روش ها غلط باشد، باید اصلاح گردد. و گرنه دولتی که گشت ارشاد اسلامی نداشته باشد به درد لای جرز دیوار می خورد!

۶- ... به هر حال نظر من این است که مثل بسیاری موضوعات دیگر باید صادقانه به آن اعتراف کنیم. رهبر بزرگوار انقلاب راجع به بحث جلوگیری از افزایش جمعیت صادقانه به این موضوع اعتراف کردند و گفتند که این اشتباه ما بوده است. این موضوعات از این نظر جنسشان اجتماعی است و سیاسی نیستند. شاید همان موضوع جلوگیری از افزایش جمعیت هم از یک ابعادی به طور طبیعی دارای وجهه سیاسی باشد ولی جوهر ماجرا اجتماعی است....

نقد: حجاب یک مسأله اجتماعی مانند کنترل جمعیت نیست. اصل در اسلام، بر بچه دار شدن و پر جمعیتی است. افزونی جمعیت از مسائل مستحدثه (نوپدید) است ولی حجاب از احکام اولیه و ضروری اسلام - همان احکامی که مستقیماً از دین استخراج می شوند و با پذیرفتن اسلام، همراه آن هستند و باید رعایت شوند مثل نماز و روزه - است. و ضامن احکام اولیه، امر به معروف و نهی از منکر است و مرحله آخر امر به معروف، بر عهده حکومت اسلامی است، آری، حجاب اینطور به حکومت اسلامی ربط پیدا می کند.

-فرمایش رهبری، در مورد جمعیت، ناظر به یک هدف گذاری بود که قرار بود، جمعیت را از ۶ نفر در هر خانوار در سال ۱۳۶۷ به ۴ نفر در سال ۹۰ برسانند و این هدف، در سال ۱۳۷۰ محقق شد و این کار به صورت غیر کارشناسی ادامه یافته بود. آقا فرمودند بعد از سال ۷۰، ادامه سیاست کنترل جمعیت اشتباه بوده است. پس قیاس، اجبار حجاب - به عنوان حکم ضروری اسلام - با افزایش جمعیت - به عنوان مسأله ای نوظهور - مع الفارق و نادرست است!

۷-... در موضوع اجبار حجاب هم جوهر ماجرا اجتماعی است... چون حجاب چندین بعد دارد. یک بعدش اعتقادی است، یک بعدش سبک زندگی است. یعنی از آن جهت که ریشه و منشأ انتخاب هست، اعتقادی است و از آن جهت که خروجی و بروز بیرونی انتخاب است یک نوع سبک زندگی است و هیچکدام هم اجبار پذیر نیست.. اتفاقاً اگر بخشنامه و فرمایش وسط بیاید، برعکس می شود و افراد به نوعی برای برخورد با ماجرا ناخودآگاه موضع گیری می کنند.

جواب نقضی: با فرض شما، حد شرابخوار و روزه خوار و زناکار هم از نوع سبک زندگی و اعتقاد است و درست نیست. چون جوهر اجتماعی دارد.

جواب حلی: سبک زندگی در سه حیطة اعتقاد، اخلاق و عمل، نمود می یابد و اجبار در حیطة رفتار، می گنجد. فلسفه اجبار در این حیطة نیز، ایجاد فضای سالم برای رشد و کمال انسانی است و طبق یک قاعده بدیهی عقلانی، منافع جمعی بر منافع فردی اولویت دارد. احکام الهی را سوپر مارکتی نمی توان اجرا نمود که هدف آن جلب رضایت عموم است.

پیش فرض غلط این قضاوت این است که اجرای حدود الهی، تابع رضایت مردم است. این برداشت در تعارض با آیات زیر است:

-فَلِذَلِكَ فَادْعُ وَ اسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَ لَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَ قُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَ أُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ اللَّهُ رَبُّنَا وَ رَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَالُنَا وَ لَكُمْ أَعْمَالُكُمْ لَا حُجَّةَ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ؛ پس برای این {دین اسلام} دعوت کن و همان گونه که دستور یافته ای پایداری کن و از هوس های آن ها پیروی مکن و بگو به هر کتابی که خدا نازل کرده ایمان آورده ام و مامور شده ام میان شما به عدالت حکم کنم. خداوند پروردگار ما و پروردگار شماست و اعمال ما از آن ما و اعمال شما از آن شماست {دیگر} هیچ بحث و جدلی میان ما و شما نیست، خداوند ما را جمع می کند و {سرانجام} کارها بسوی اوست. (شوری ، ۱۵)

-ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَى شَرِيعَةٍ مِنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْهَا وَ لَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ؛ سپس تو را بر شریعتی که از امر {خدا} استقرار دادیم، پس از آن پیروی کن و از هوس های کسانی که نمی دانند پیروی مکن. (جاثیه ، ۱۸)

- يا داوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَ لَا تَتَّبِعِ الْهَوَى فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ؛ ای داود! ما تو را در زمین جانشین {و نماینده} خود کردیم، پس میان مردم به حق داوری کن و زنهار از هوس پیروی مکن که تو را از راه خدا به در کند، البته کسانی که از راه خدا به در می روند به سزای آنکه روز حساب را از یاد برده اند عذابی سخت خواهند داشت. (ص ، ۲۶)

- از امثال آقای زائری یک سوال داریم ؛ اگر حجاب اجباری نباشد، حد و مرز، بد حجابی کجاست؟ و میزان پوشیدگی چقدر باید باشد؟ اگر اجبار را برداریم دیگر نمی توانیم کنترلی بر وضع حجاب داشته باشیم و مطمئناً مشکلات عدیده ای ایجاد می شود. اگر زنان مسلمان، در رقابت زنانه بر سر خودنمایی، بیافتند چه اتفاقی می افتد؟ آیا تنها مشکل اسلام حجاب اجباری است؟ اگر ادعای علم حوزوی دارید وضع بانک و بیمه را اصلاح کنید و برای اقتصاد اسلامی، نسخه ای بپیچید! طبق نظر شما، مشکل حجاب هم حل شد.

۸- ...هرحکومتی یکسری قوانین اجتماعی می گذارد. مثلاً قانون منع رد شدن از چراغ قرمز برای امنیت کسانی است که در سمت دیگر چراغ ایستاده اند. شاید قانون اجباری حجاب هم به همین خاطر باشد. یعنی اگر من مجبورم حجاب داشته باشم، فقط برای سلامت دین من نیست، بلکه برای این است که بقیه افراد جامعه هم دچار فساد نشوند.

...اهل کتاب ... برعکس، طبق ضابطه شرعی اینها حق ندارند حجاب داشته باشند؛ چون حجاب حرمت است برای زن مسلمان. اتفاقاً اگر یک زن غیرمسلمان بخواهد حجاب داشته باشد، دولت باید به وی بگوید اگر می‌خواهی حجاب داشته باشی اول باید مسلمان بشوی تا این امتیاز و اجازه را به تو بدهم.

نقد: ۱- حجاب، حکم مشترک همه ادیان الهی است و بی‌حجابی، به ذات ادیان مزبور بر نمی‌گردد.

۲- مناظ (دلیل) وضع حکم حجاب، می‌تواند چند بعدی باشد که در صورت رعایت، در نزد زن مؤمن، همه ابعاد و در نزد اهل کتاب برخی از آنها حاصل می‌شود.

۳- ذات غریزه در مؤمن و کافر، حکم واحدی دارد. برگشت حرمت (ارزش) زن مؤمن به ارزش اکتسابی برمی‌گردد که در سایه ایمان پیدا نموده است یعنی زن مومن از نظر خدا ارزش خاصی پیدا کرده است، و گرنه حجاب برای هر زنی بهتر از بدحجابی است و او را در دنیا از طمع و آزار نامحرم و در آخرت از عذاب ناشی از این گناه باز می‌دارد.

توضیح: هر گناهی اثر خاصی در شقاوت انسان دارد و با ترک آن به همان نسبت از عذاب او کاسته می‌شود. و یک زن با حجاب- با هر عقیده‌ای- از عذاب‌های اخروی که مربوط به عدم رعایت حجاب می‌شود، در امان است.

۴- اجبار حجاب اهل کتاب به مفسد اجتماعی بدحجابی برمی‌گردد و اجبار آن از مصادیق مصالح عامه است که حفظ آن از وظایف حکومت اسلامی است.

۵- در صورت آزادی اهل کتاب، چگونه می‌توان، مسلمان و اهل کتاب را جدا کرد؟! در این صورت همه ی بدحجابها به اسم اهل کتاب، در جامعه حاضر می‌شوند، حال چطور می‌توان فهمید که کدامیک اهل کتاب هستند و کدامیک نیستند؟ باید هنگام ذکر یک موضوعی به لوازم آن نیز توجه شود!

۹- ... زنانی در خارج از ایران برای حجاب داشتن کتک می‌خورند، زندان می‌روند، زندگی‌شان را از دست می‌دهند، برای حفظ حجابشان به شهادتشان می‌رسند. پس معلوم است حجاب گفتمان قدرتمندی است که می‌تواند یک نفر را تا اینجا به ایستادگی وادارد. چرا در داخل کشور وضع ما برعکس شده است؟ چون مسئله‌ای که یک ارزش بوده است، به قدری الزام و اجبار در موردش به کار بردیم که افراد به جای التماس کردن و به دنبال آن آمدن، احساس اجبار می‌کنند.

جواب نقضی؛ در ایران هم، بسیاری از زنان بدحجاب خود را انقلابی می دانند و در مناسبت های انقلابی شرکت می کنند. پس همه بدحجابها با حکومت مشکل ندارند! بعلاوه، بانوان فراوانی در درون کشور هستند که احساس اجبار و اکراه ندارند و به حجاب افتخار هم می کنند. - بر طبق فرض شما اگر حجاب داخلی ما سیاسی است و به دلیل تبعیت از حاکمیت است و ارزشی ندارد پس در مورد همان حجاب افراد خارج از کشور هم، می توان گفت بدلیل مخالفت با سیاست های آن کشورها است و به دلیل مخالفت با حاکمیت آن جا جنبه سیاسی پیدا می کند و ارزش ندارد!! چطور است که زن مسلمان، در ایران با رعایت حجاب، متهم به نفاق و ریا می شود ولی این حکم در مورد آنها صادق نیست!!

جواب حلی

۱- کسانی که پس از مشاهده چالش های یک نظام اسلامی با آن همراهی می کنند، از نظر سطح معرفت با یک نفر که از این مراحل عبور نکرده اند قابل مقایسه نیست. چون جوانی که در جمهوری اسلامی زندگی میکنند در مقایسه با جوانان کشورهای دیگر، چالشهای زیادی در زمینه های مختلف سیاسی و اجتماعی و... برایش ایجاد می شود و در صورتی که با وجود همه اینها پایبند به اصول بماند، ارزشمند است.

۲- زنان مسلمان، در جمهوری اسلامی، یا به حجاب، اعتقاد دارند یا نه؛ اگر اعتقاد دارند، که اجبار یا عدم اجبار تأثیری ندارد و اگر باور ندارند بر چه اساس، بدون اجبار، به دنبال آن می آیند؟

۳- قدرتمند بودن گفتمان حجاب، یعنی این که حجاب، پشتوانه نظری و استدلالی قوی دارد (ریشه در فطرت انسان دارد، بندگی خداوند است و امنیت روانی برای زن دنبال دارد و...) و استدلال (اندیشه) در طول رفتار قرار دارد یعنی همراه و ملازم رفتار است و تداخلی با رفتار (محجبه بودن) ندارد. قطعا رفتار هم بر روی باور اثر دارد. شما لطف کنید و گفتمان را تقویت کنید.

- اعتقاد، اخلاق و عمل هر سه وابسته به هم و ملازم هم هستند. باید برای نهادینه شدن رفتاری خاص، برنامه ریزی درست و فرهنگ سازی شود و در رفتار نیز، باید و نبایدهایی وضع شود. همان طور که در غرب این اتفاق، در بسیاری از رفتارهای مدنی افتاده و به عنوان نمونه، یک شخص غربی از همان کودکی منافع کشورش را منافع خودش می داند. ضامن اعتقادات، کار فکری و فرهنگی، ضامن اخلاق، الگوی درست و ضامن رفتار، اجبار و قانون است! مانعه الجمع دانستن این سه، غلط است.

۱۰-...اگر ما از موضع قانونگذاری وارد شدیم. دیگر بحث اعتقادی وسط نمی‌آید؛ بلکه می‌گوییم نظام اجتماعی و قانون. حال دیگر اینجا پای عقل وسط می‌آید من برای کارآمد شدن یک قانون، اولویت‌ها و ضوابطی دارم....

نقد: ۱- قانون در نظام اسلامی باید بر طبق شریعت باشد و قانون و شریعت مانع الجمع نیستند. اصولاً عقل از منابع استنباط احکام شرعی است. اعتقاد در عرض رفتار نیست بلکه در طول آن قرار دارد. و همین در عرض هم دانستن اینها باعث سوء تفاهم نگارنده شده است. حجاب هر کس، اگر بر اساس عقیده باشد، باعث تقرب و اجر می‌شود و اگر از سر اعتقاد نباشد باز هم باعث دوری از عذاب و سلامت روانی و اخلاقی فرد محجبه و سایرین می‌شود.

۲- اهمیت حجاب و عدم اختلاط زن و مرد تا حدی است که بر نماز جمعه و جماعت بانوان تأکید نشده است! در حالی که مردان در صورت ترک آن به نفاق متهم می‌شوند. لذا در جامعه ای مانند ایران، که حضور بانوان جدی است، بایستی عدم اختلاط و حفظ حریم شرعی، رعایت شود تا ضمن حضور جدی بانوان، حدود شرعی ضایع نشود! برای تکمیل جواب کنونی، به ادامه بحث مراجعه فرمایید.

۱۱- یک نکته دیگر هم این است که ما قانونی می‌گذاریم و انقدر خوب برایش تبلیغ می‌کنیم که همه بفهمند که باید کمربند ایمنی ببندیم، و بعد از آن من به عنوان یک شهروند به پلیس سر چهارراه حق می‌دهم که سرنشینی را که کمربند نبسته جریمه کند، اما الان کسی حق نمی‌دهد که جلوی دختران ۱۹-۱۸ ساله برای بدحجابی گرفته شود. چون به این دختر چیزی از حجاب یاد داده نشده است که حالا توقعی از وی داشته باشند. یا اینکه مردم توجیه نیستند که بی حجابی چه مخاطراتی برای جامعه دارد. ... عقل می‌گوید معنی ندارد یک چیزی در جامعه جرم تلقی شود و ۸۰ درصد مردم آن کار را انجام بدهند، پس معلوم می‌شود این بی حجابی دیگر جرم تلقی نمی‌شود. اینجا دیگر نه بحث سیاست است نه اعتقاد. جنس بحث کاملاً اجتماعی است.

نقد:

الف- عدم توجه، جناب زائری به تشکیکی بودن بدحجابی تا بی حجابی و حکم واحد برای آنها با همدیگر؛ باعث این برداشت غلط، شده که " ۸۰ درصد مردم به حجاب اعتقاد ندارند!!" در صورتی که درجات بدحجابی متفاوت است و اشتباه است که تمام آن‌ها را بی حجاب محسوب کرد و آمار ۸۰ درصد را برای بی حجابی گزارش دهیم.

ب- تعداد افرادی که یک قانون را اجرا می کنند، به اجرای قانون و ضمانت اجرایی بر می گردد. و الزاما نشانه ایراد قانون نیست. مگر در سایر قوانین مدنی و احکام الهی نیز تعداد گنهکاران بیشتر نیست؟ پس حتی با فرض اینکه ۸۰ درصد زنان حجاب را رعایت نمی کنند، اصل قانون اجبار حجاب زیرسوال نمی رود!

ج- یک سؤال: منشا ارزشها و قانونگذاری چه باید باشد؟ رفتار عموم مردم یا مصلحت دراز مدت نوع انسان؟

۱۲- ما به جای اینکه به مسئله عدالت اجتماعی و مبارزه با سرمایه داری توجه کنیم، در همه این مدت بحثمان فقط روی حجاب است. درحالی که اگر مسئله اقتصاد حل می شد و با فساد اقتصادی مبارزه می شد، مسئله حجاب به طریق اولی قابل حل بود.

نقد: ۱- در این که کسانی، توان و عرضه ی حل سایر مسائل دینی و اجتماعی را ندارند، از راه دین فروشی در حیطه حجاب، به جلب مشتری می پردازند، تردیدی نیست؛ هم سیاسیون، هم برخی از مسئولان و نیز برخی از مبلغان دین همین طور هستند. برخی مسئولان چون پس از مدتی درمی یابند که توانایی حل مشکلات را ندارند، از طریق رواج وعادی دانستن بی حجابی سعی در جلب آرای مردم دارند.

۲- اثبات شیء نفی ماعدا نمی کند؛ این ها دو موضوع جداگانه هستند و حجاب، جدا و اقتصاد هم بطور جداگانه باید بررسی و اصلاح شوند.

گنه کرد در بلخ آهنگری به شوشتر زدند گردن مسگری!

۳- ترویج درست حجاب اسلامی، یکی از مظاهر مبارزه با بی بند و باری است. حل مسأله اقتصاد چه تلازم منطقی با حیا و حجاب دارد؟ اگر چنین بود در کشورهای گوناگون، میزان حل مشکلات اقتصادی با حیا و اخلاق نسبت مستقیم داشت. و در کشورهایی که اقتصاد، مشکل ندارد، بایستی بی حجابی هم حل شده باشد. این دو مسأله (مفاسد اقتصادی و بی بند و باری)، در حالت خوشبینانه، عموم و خصوص من وجه هستند.

۴- اتفاقا بیشتر بدحجابها از قشر مرفه هستند. در ایران هم ۷۰ درصد از دختران فراری از خانواده های مرفه هستند.

۱۳- می گویند دیدن خانمهای بی حجاب موجب آسیب روانی و آزار روحی و تحریک شهوانی جوانان می شود، بله قبول داریم (هر چند این حرفها مبنای تشریح نمی شود ولی به هر حال قبول داریم که این واقعیت است)

نقد؛ پس فلسفه حجاب در برابر نامحرم چیست؟ روایاتی از سنخ تأکید بر راه نرفتن پشت سر نامحرم، نگاه شهوت آلود تیر زهرآگین شیطان است و... را چگونه تفسیر می کنید؟

۱۴-... اما در یک سطح بالاتر و بعد گسترده تری آیا دیدن یک ماشین یک میلیارد تومانی و خانه‌های ده میلیارد تومانی موجب آسیب روانی و آزار روحی و طغیان فکری و معنوی افراد نمی‌شود؟ آیا آگهی‌های بازرگانی لوکس و پررنگ و لعاب از خانه‌های زیبا و مجلل و اشرافی که در خیال جوانان هم نمی‌گنجد موجب آشوب روانی او نیست؟

نقد: در این جا، خلط میان حرام فقهی (بدحجابی) و مباح اخلاقی (داشتن ماشین یک میلیاردی) صورت گرفته است: گاهی پرهیز از تجمل، یک مسأله فردی اخلاقی است اما حجاب یک مسأله فقهی و اخلاقی و اجتماعی است.

-بدحجابی، بیش از آسیب روانی برای مردان، باعث آسیب روانی خود زن می‌شود؛ نیاز به خودنمایی، رقابت های کاذب، مورد آزار روانی و جسمی قرار گرفتن از این قبیل است.

۱۵- رضاخان نتوانست مردم را بی حجاب کند چون روی سبک زندگی دست گذاشته بود. البته فرهنگ سازی رضاخان برای کشف حجاب بسیار هوشمندانه تر از کاری بود که ما برای محجبه کردن انجام دادیم. قبل از اینکه پلیس وارد شود، نشریاتی راجع به آزادی زنان و حقوق زنان شروع به کار کردند.

نقد: این حرف در مورد کشف حجاب رضاخانی، کاملاً بی اساس است؛ اگر در ابتدای انقلاب، حجاب وجود داشته، پس چرا سخن از اجبار پس از انقلاب می‌کنید و اگر نبوده پس معلوم است که رضاخان موفق بوده است! یعنی اجبار در بی حجابی جواب داده است! و بی حجابی رضاخان جواب داد چون آنرا اجبار کرد. -بعلاوه این که، آیا شما مفسد اقتصادی را در جمهوری اسلامی، بیشتر از زمان رضاخان می‌دانید؟! -همیشه کسانی با انگیزه های شهوانی، به بی بند و باری دامن می‌زنند؛ به نظر شما در این موارد چه باید کرد؟

۱۶- اگر نظام اسلامی به جای درگیر شدن به مسائل شکلی و ظاهری حجاب به اصل کار خودش که برقراری قسط و عدل است، می‌پرداخت چه بسا مسئله حجاب هم به طور طبیعی حل می‌شد. توجه به ظاهر یکی از حربه‌های شیطان است.

...این نکته به نظرمن نکته بسیار اساسی است که ما به جای توجه به ریشه‌ها و اساس، خودمان را سرگرم ظاهر و شکل و امور بیرونی و ظاهری کرده‌ایم.

نقد: دولتهای ما، چقدر به حجاب پرداخته اند که ما بی اطلاعیم؟ در چهار دوره اخیر، کدام رئیس جمهور را می شناسید که لگدی به حجاب نزده باشد؟ الان وضع معیشتی مردم بهتر است یا زمان جنگ؟! و نیز، الان حجاب زنان بهتر است یا زمان جنگ؟ واقعیت این است که در جامعه کنونی وضع معیشتی مردم بهتر و بدحجابی هم بیشتر شده است.

–نقش نفسانیت را در بدحجابی نادیده گرفته اید، طبیعت زن به نحوی است که به خودنمایی و جلب نظر دیگران میل دارد. بعلاوه، بدحجابی در میان مرفهین، رایجتر از قشر متوسط است. با دقت نظر در اطراف خود می توان به این واقعیت رسید.

۱۷- فکر می کنید حجاب اجباری چقدر جلوی فساد اخلاقی را در جامعه گرفته است؟

...به نظر من خیلی کم. ولی قبل از هر بحثی اول باید آمار بگیریم. آمار فساد اخلاقی امروز جامعه را مقایسه کنیم با آمار فساد اخلاقی در یک محیط اجتماعی دیگر که حجاب در آنجا اجباری نیست یا با آمار فساد قبل از انقلاب...

دلیل نقضی: اگر نتوانستیم نقش نماز را در جلوگیری از فحشا و منکر یا نقش روزه را در تقویت تقوا بررسی کنیم آیا باید نماز را کنار گذاشت؟

–حجاب اجباری چند کارکرد دارد؟

۱- جلوگیری از گناه فردی و عذاب اخروی برای خودشخصی که حجاب را رعایت می کند.

۲- جلوگیری از به گناه افتادن دیگران.

۳- پیشگیری از افتادن جامعه در ورطه فساد شهوت.

۴- کاهش معصیت علنی خداوند.

–ابزار کشف فواید احکام دینی، عقلانی و وحیانی و البته گاهی حسی و تجربی است و الزاما، با آمار قابل ارزیابی نیست.

–فلسفه کلان تشریح احکام دینی، زمینه سازی حداکثری برای رشد معنوی اختیاری انسان است تا حجت بر انسانها تمام شود (فرستادن پیامبران، تشکیل حکومت اسلامی، امر به معروف و نهی از منکر و... برای رشد انسانها)، و لذا به هر مقدار که قابل حصول باشد بایستی انجام شود. لذا انبیای الهی، اکثریت را ملاک

حقانیت کار خود نمی دانستند. (که در صورت همراهی اکثریت مردم با آنها امری رادرسرست و یانادرست بدانند) حجاب هم یک رفتار دینی است و با آمار قابل ارزیابی نیست:

لِيَمِيزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَ يَجْعَلَ الْخَبِيثَ بَعْضُهُ عَلَى بَعْضٍ فَيَرْكُمَهُ جَمِيعاً فَيَجْعَلُهُ فِي جَهَنَّمَ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ. تا خداوند ناپاک را از پاک جدا سازد و ناپاک ها را روی هم گذارد و انباشته کند و یکجا در دوزخ افکند، اینانند که زیانکارانند. (أنفال ، ۳۷)

فساد اخلاقی، معلول عوامل فراوانی از جمله بدحجابی است و بدحجابی نیز در مواردی نمودی از فساد اخلاقی و معلول آن است. یعنی فساد اخلاقی و بدحجابی، عموم و خصوص من وجه هستند و بر روی هم اثر متقابل دارند. پس چون هم بدحجابی روی فساد اخلاقی تاثیر دارد و هم فساد اخلاقی، روی بدحجابی موثر است، همیشه امکان بررسی تجربی و آماری وجود ندارد.

- کاربرد آمار در مسائلی که صرفاً دنیوی و مادی نیستند، غلط است. (امور کیفی اگر به صورت کمیت درآیند نابود می شوند).

- خلط میان اختیار فلسفی با آزادی در رفتار، و نیز جبر فلسفی با اجبار در رفتار، در بیانات ایشان موج می زند. چون ایشان می گوید در مورد حجاب باید به افراد قدرت انتخاب داد و گر نه بحث اجبار پیش می آید

اختیار فلسفی، به قدرت انتخاب انسان در حیطه باورها برمی گردد ولی آزادی یا اجبار در رفتار، به عمل مربوط است. پس با وجود یک گزینه-مثلاً اگر همان حجاب باشد- باز هم انتخاب و اختیار فلسفی، وجود دارد. لذا اجبار رفتاری مانند حجاب، با اراده و اختیار انسان، منافاتی ندارد. ایشان، به درستی نتوانسته تفاوت میان جبر فلسفی با اجبار در رفتار را درک نماید و همین باعث خلط مبحث شده است. اجبار در رفتار، اختیار فلسفی را نمی تواند نقض کند. به عنوان مثال، شکنجه و اجبار باعث شد که عمار یاسر، به اسلام ناسزا بگوید و رفتاری بر خلاف میل قلبی خود انجام دهد. اما چون باور قلبی او چیز دیگری بود، باز هم خداوند متعال، ایمان او را تصدیق فرمود. در اینجا، علیرغم اجبار در رفتار، قدرت انتخاب عمار، به قوت خود باقی است. چرا که یکی در حیطه اراده است و دیگری در حیطه رفتار: " مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أَكْرَهَ وَ قَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ وَ لَ كِنَ مَنْ شَرَحَ بِالْكَفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِنَ اللَّهِ وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ . "

هر کس پس از ایمان آوردن خود، به خدا کفر ورزد [عذابی سخت خواهد داشت] مگر آن کس که مجبور شده و [لی] قلبش به ایمان اطمینان دارد. لیکن هر که سینه اش به کفر گشاده گردد خشم خدا بر آنان است و برایشان عذابی بزرگ خواهد بود،

(نحل، ۱۰۶)

- آنچه مایه نجات انسان است، انتخاب قلبی دین و داشتن اخلاص و نیت الهی است. الزامات فقهی و رفتاری، باعث تقویت عقیده و نیز زمینه سازی برای رشد معنویات در جامعه است. حجاب یک بعد اعتقادی و الهی دارد و یک بعد رفتاری که در اجتماع نمود پیدا می کند. اجبار حجاب برای این است که اجتماع اسلامی، برای رشد انسانها (زن و مرد) مساعد گردد و انسانها در غریزه جنسی غرق نشوند و بتوانند به خدا نزدیک شوند.

فرق انسان معتقد این است که با انتخاب قلبی حجاب، به خدا هم تقرب پیدا می کند. فرد غیر معتقد نیز، با رعایت حجاب، خود را از آتش حفظ می کند و جامعه را از گناه دور نگه می دارد!

- این که کسی حجاب را قلباً انتخاب کند یا نه، معلول اندیشه دینی، روح عبودیت و دوری از هوای نفس است و این را می توان با کار فرهنگی تقویت کرد.

اما قرآن کریم کسانی را به لجبازی در عین آگاهی توصیف می کند: "وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنْفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ"؛ "و با آنکه باطنشان بدان یقین شد، از روی ظلم و تکبر آنرا انکار کردند، پس ببین عاقبت مفسدان چگونه شد؟ (نمل ، ۱۴). حکومت اسلامی، باید شر این افراد را به خودشان محدود کند تا مزاحم تکامل دیگران نشوند و زمینه تعالی حداکثری افراد جامعه فراهم گردد. در این صورت است که حجت خدا بر مردم تمام می شود.

۱۸- تازه مسلمانها در کشورهای دیگر با اینکه برایشان تبعات بسیاری دارد ولی به محجه بودنشان اصرار دارند. ما به جز مواردی که گوشه‌هایی از زندگی این افراد را در رسانه‌ها نشان دادیم نتوانستیم از این ظرفیت برای بهبود حجاب در جامعه مان استفاده کنیم. ایراد کار کجا بود؟

...یکی از ایرادات ما در بحث حجاب این است که خیلی از محتواهایی که برای ترویج حجاب تولید می‌شود، برنامه ریزی شده و هدفگذاری شده برای مخاطب بی حجاب نیست. می‌توانم بگویم تقریباً هر کتابی را که راجع به حجاب منتشر شده، دیده‌ام. از اول، کتاب با آیه قرآن و حدیث شروع می‌شود. خوب اگر کسی اعتقاد به آیه و حدیث داشت که اصلاً نیازی به خواندن این کتاب ندارد. اگر هم اعتقاد ندارد که شما با این ادبیات نمی‌توانید با او حرف بزنید. من تا به حال کتابی ندیده‌ام که مخاطبش، فرد بی اعتقاد باشد....

نقده: بدون ایجاد روحیه بندگی، انتظار حل مسائل اخلاقی و روانی، عبث است! اصولاً فرد بی اعتقاد، چرا باید تن به محدودیتی مانند حجاب بدهد؟! بنابراین به فرض اینکه جامعه ای، قانون محکم در برخورد با

مزاحمت‌ها داشته باشد، به گونه‌ای که مزاحمتها رفع شود، چه دلیلی برای رعایت حجاب برای فرد بی‌ایمان، باقی می‌ماند؟

- کسانی که بدون توجه به وحی شروع کنند، نوعاً از نظر تئوری عاقبت به شر می‌شوند: "مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ". (المائدة: ۴۴). در آیات ۴۵ و ۴۷ این افراد، به عنوان فاسق و ظالم نامیده شده‌اند. پس کسی که بدون قرآن و وحی در مورد حجاب سخن بگوید حکم فسق و ظلم و کفر، به وی اطلاق می‌شود.

۱۹- خانم‌هایی که حجاب مناسبی ندارند، یکی از بحث‌هایی که مطرح می‌کنند این است که ما حجاب را مرتبط با حیا نمی‌دانیم. عده‌ای هم می‌گویند در مسافرت‌های خارج از کشور عمده زنان بی‌حجاب را دارای خصیصه حیا دیده‌اند. با این حساب چقدر حجاب و حیا با هم مرتبط هستند و چقدر لازم و ملزوم یکدیگرند؟

حجاب و حیا لازم و ملزوم هم هستند؛ ولی نسبتشان را فرهنگ عمومی و عرف جامعه تعیین می‌کند. حتماً خودتان هم می‌دانید که در بعضی محیط‌های خانوادگی مذهبی، حتی عروس پیش پدرشوهرش بدون حجاب نمی‌آید یا مادرزن پیش دامادش بدون حجاب حاضر نمی‌شود. در همان شهر و در همان محله خانواده دیگری هم هست که با لباس خانه ممکن است در خیابان هم بیاید! در این قضیه میانگین و متوسط عرف اجتماعی و فرهنگ عمومی است که تعیین می‌کند میزان و نسبت حجاب و حیا به هم چگونه است. در اینکه حجاب و حیا هم برای زن و هم برای مرد با پوشش مرتبط است شکی نیست. ولی اینکه آیا پوشاندن سرهم به حیا ربط دارد یا اینکه مقدار پیدا بودن گردی صورت به حیا مرتبط است یا نه و... به فرهنگ عمومی برمی‌گردد.

نقد:

۱- حیا در انسان، یک امر فطری است و از انسانیت، ناشی می‌شود اما مانند هر خصوصیت فطری دیگری بایستی در سایه عمل به دستورات دینی در مقام تعریف، باید معنا شود و در عمل، شکوفا گردد. مگر اصیل‌ترین گرایش فطری انسان، خداجویی نیست؟ پس چرا در نزد مشرکان، زیر خروارها هوای نفس، دفن می‌شود؟ با مراجعه به فرهنگ عمومی بشر، توحید را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ اشتباه ایشان در همین است که از فطری بودن حیا، غافل شده و آن را در حد یک رفتار اجتماعی تحلیل می‌کند.

- بین درک اجمالی حیا و حسن آن و نیز، حدود و شرایط آن تفاوت وجود دارد، کما این که مانند هر امر فطری دیگری، مانند زیبایی طلبی، کمال طلبی و ... حدود و ثغور حیا را شریعت مشخص می‌کند و نه عرف اجتماع یا احساس شخصی افراد!

۲-حجاب، بر خلاف نماز و روزه و شرابخواری که اجتماعی بودن آنها عرضی و امکانی است-ذاتا یک رفتار شرعی اجتماعی است و در اجتماع معنای خود را پیدا می کند و پیاده کردن آن هم لزوماً به اجتماع گره خورده است. پس اجبار حجاب از لوازم لاینفک اقامه حجاب است!

در جامعه ای که حضور زن، مقطعی و موردی است همان الزام شرعی - مانند پوشش زن در نماز فرادای و در غیاب نامحرم، یا معافیت زن از برخی امور مانند نماز جمعه و جماعت - کفایت می کند ولی در یک جامعه با حضور جدی زنان در اجتماع بایستی حکومت اسلامی - به عنوان متصدی اجرای احکام شرعی - این حکم شرعی اجتماعی را پیاده کند و موانع آن را رفع کند. پس دلیل اجبار حجاب در ذات اجتماعی آن نهفته است. اما مشروعیت این اجبار از طرف شارع ناشی می شود نه رضایت مکلفان!

هشدار: استدلال به این که اجبار حجاب، در زمان پیامبر (ص)، نبوده، بوی سلفی گری می دهد و مغالطه است؛ قیاس، زمان صدر اسلام که زنان در جامعه حضور جدی نداشته و حتی از جمعه و جماعت هم معاف بوده اند، با زمانی که نیمی از امور جامعه را بانوان بر عهده دارند، قیاس مع الفارق است؛ در زمان رسول اکرم، ذات زندگی اجتماعی و احکام حجاب، برای حل مسأله حجاب، کفایت می کرد.

در زمان کنونی هم یا باید شرایط را به همان زمان برگردانید و زنان را به منازل برگردانید (فرض اول) یا بایستی بر اساس شرایط، اجتهاد شود و حکم اجتماعی حجاب، توسط اجتهاد روشن شود. (فرض دوم) اما فرض اول را نه شما قبول دارید، نه عملاً قابل اجراست نه با برخی از احکام فقهی قابل جمع است. (به دلیل منع مراجعه زن به مرد در تخصص های خاص زنان در اموری مانند مامایی، پزشکی، احکام و ...) - امر به معروف و نهی از منکر، از جمله دلایل و به منزله فلسفه تشکیل حکومت اسلامی است. به آیات زیر توجه فرمایید:

- وظیفه حاکمیت اقامه حدود الهی است: "الَّذِينَ إِن مَكَّانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ!" "کسانی که چون در زمین به آنها توانایی دهیم نماز برپا میدارند و زکات میدهند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند و سرانجام همه ی کارها با خداست". (حج ، ۴۱). اقامه نماز در اینجا از باب مثال است. و وظیفه حکومت تنها اقامه نماز نیست. - "وَ لَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ!" و باید در میان شما گروهی باشد که به نیکی فرمان دهند و از کار ناشایسته بازدارند و هم آنان رستگارانند. (آل عمران، ۱۰۴). کریمه فوق از لزوم تشکیلاتی برای امر به معروف، خبر می دهد.

۲- در صدر اسلام با توصیه هایی در مورد نگاه، راه رفتن، عدم تبرج، خمار، جلباب و... از یکسو و برخورد قرآن با اراذل و اوباش که مزاحم زنان می شدند از سوی دیگر، مسأله حجاب زنان، مدیریت می شد.

به عنوان نمونه، مزاحمت برخی از افراد نادان، باعث نزول این آیه شد: " لَئِن لَّمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَ الْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِبَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا تُقِفُوا أَخَذُوا وَ قَتَلُوا تَقْتِيلًا": "اگر منافقان و کسانی که در دل هایشان مرض است و شایعه افکنان در مدینه {از کارهای خود و آزار زنان} باز نایستند، تو را سخت بر آنان می شورانیم که جز مدت کوتاهی در کنار تو نمی توانند در این شهر بمانند. " (أحزاب ، ۶۰). معلوم نیست این مزاحمتها فیزیکی بوده باشد؛ پس زن هم نمی تواند مزاحم روانی مردان شود. ملاک حکم، جلوگیری از مزاحمت، است. و این امر، در مورد مرد و زن هر دو صادق است.

[توجه: حجاب همواره حکم اولیه ای بوده که ذاتا اجتماعی است و در هر زمان بایستی بر اساس زمان و شرایط توسط مردم و حکومت اسلامی اجرا شود.]
تذکر: اصولاً برهنگی زنان در جامعه، به فرهنگ غرب برمی گردد و یک مسأله جدید محسوب می شود. حتی زنان بدکاره در جزیره العرب جاهیت، با پرچم بالای منزل ... به مردان هوسباز پیام می داده اند)